

فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره 7، شماره 1، پاییز 91، صفحات 24-7
بررسی رابطه بین سلامت روانی - اجتماعی با هویت ملی و دینی
(مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه یزد)

دکتر مهربان پارسامهر¹

تاریخ وصول: 91/9/13 تاریخ پذیرش: 91/12/26

چکیده:

هدف این مطالعه بررسی رابطه‌ی بین سلامت روانی - اجتماعی با هویت ملی و دینی در بین دانشجویان دانشگاه یزد بوده است. این پژوهش با روش پیمایشی و به صورت مقطعی انجام شده است. داده‌های این پژوهش از 346 نفر که به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده بودند، جمع‌آوری گردیده است. نتایج تحقیق نشان داد پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان با میزان هویت دینی رابطه‌ی مثبت معنی‌داری دارد و نیز بین حمایت اجتماعی و هویت ملی رابطه‌ی مثبت معنی‌داری وجود دارد، ولی بین حمایت اجتماعی و هویت دینی رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده نشده است؛ همچنین نتایج نشان داد که بین سلامت روانی با هویت ملی و هویت دینی رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه برای پیش‌بینی هویت ملی، در مرحله‌ی اول متغیرهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی توانسته‌اند 1/6 درصد از واریانس متغیر هویت ملی را تبیین نمایند؛ در مرحله‌ی دوم متغیر حمایت اجتماعی و سلامت روانی توانستند 4/0 درصد از واریانس هویت ملی را تبیین نمایند و نیز نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه برای پیش‌بینی هویت دینی، در مرحله‌ی اول متغیرهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی توانسته‌اند 5/8 درصد از متغیر هویت دینی را تبیین نمایند؛ در مرحله‌ی دوم متغیر حمایت اجتماعی و سلامت روانی توانستند 6/1 درصد از واریانس هویت دینی را تبیین نمایند. در مجموع 17/5 درصد از واریانس توسط این معادله‌ها تبیین شدند. این مطالعه تأثیر متغیرهای سلامت روانی و اجتماعی را بر هویت دینی و ملی دانشجویان مورد ارزیابی قرار داده است. اهمیت متغیر سلامت روانی و سلامت اجتماعی در اثرگذاری و پیش‌بینی میزان هویت دینی و ملی دانشجویان در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت؛ اما با توجه به مقدار واریانس تبیین شده می‌توان نتیجه گرفت که از قدرت تبیین مناسبی برخوردار می‌باشند؛ ولی با توجه به مقدار واریانس تبیین نشده در پژوهش‌های آتی باید به سایر متغیرهای اثرگذار توجه نمود.

مفاهیم کلیدی: سلامت روانی، سلامت اجتماعی، هویت دینی، هویت ملی

¹ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد parsamehr@yazd.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

در روانشناسی اجتماعی هویت و احساس هویت یکی از مشخصات شخصیت فرد تلقی می‌شود. احساس هویت عبارت از احساسی که انسان نسبت به استمرار حیات روانی و وحدتی را که در مقابل اوضاع و احوال متغیر خارج از خود دارد و همواره آن را در حالات روانی خود حس می‌کند. روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که احساس هویت به واسطه‌ی دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد؛ بدین معنی که بینش و بصیرت فرد از خود، ناشی از تصوراتی است که از جامعه در ذهنش می‌پروارند. بنابراین هویت از نظر روانشناسی اجتماعی زمانی پدید می‌آید که انسان با غیر مواجه می‌شود و این غیر عبارت از فرد یا جامعه ای دیگر می‌باشد. فرایند هویت‌سازی این امکان را برای کنش‌گر اجتماعی فراهم می‌سازد تا برای پرسش‌های بنیادی معطوف به کیستی و چیستی خود، پاسخی مناسب و قانع‌کننده پیدا کند (گل‌محمدی، 1380: 196). فرد هویت را در فرآیند اجتماعی شدن و با زندگی در جامعه کسب می‌کند و نوع کسب هویت افراد بستگی به نوع ارتباطی دارد که افراد به تبع نظام شخصیتی خویش و در بستر یک نظام اجتماعی مشخص با جمع برقرار می‌کنند (عبداللهی، 1374: 12). اریکسون معتقد است که افراد هشت مرحله‌ی متوالی رشد روانی - اجتماعی را پشت سر می‌گذارند، که هر مرحله بر موفقیت در مرحله‌ی قبل استوار است. فرضیه‌ی او این است که بیشترین مشکلات رشدی طی مرحله‌ی پنجم رشد روی می‌دهد. در این مرحله هویت‌یابی در برابر سردرگمی نقش (بحران هویت) مطرح می‌گردد. تجارب در این مرحله‌ی رشد می‌تواند به طور مستقیم بر مراحل بعدی زندگی اثر بگذارد. طی این مرحله رشد جستجوی ارزش‌ها و باورها آغاز می‌شود. من کیستم؟ به کجا می‌روم؟ و چه خواهم شد؟ سؤال‌هایی هستند که این تجربه را مشخص می‌کنند (غضنفری، 1384: 81). در جامعه‌شناسی، هویت را به عنوان بخشی از خودآگاهی افراد به عنوان عضوی از گروه با احساسات و ارزش‌های مشترک تعریف می‌نمایند (هاروود¹، 1992: 2).

هویت، بسیاری از رفتارها و کردارهای انسانی را شکل می‌دهد؛ از نظر جامعه‌شناسی یکی از عوامل مهم انسجام اجتماعی و وفاق ملی در هر جامعه هویت ملی است. هر اندازه یک ملت از هویت محکم‌تر و منسجم‌تری برخوردار باشد، به همان اندازه در تحکیم پایه‌های همبستگی و وفاق اجتماعی موفق‌تر خواهد بود. هویت ملی و دینی از اهمیت تاریخی و جامعه‌شناختی برخوردار می‌باشد. اهمیت تاریخی آن به این جهت است که اولاً، این پدیده در فرایند زمان و در جامعه شکل گرفته و از رویدادها و تغییر و تحولات تاریخی تأثیر پذیرفته است. هر هویتی که امروزه در جامعه و میان گروه‌های اجتماعی مشاهده

¹ Harwood

می‌شود، برگرفته از جریان‌های تاریخی ادوار مختلف می‌باشد. از طرفی دیگر، در تمام جوامع به خصوص جوامع دینی، مفاهیم موجود در دین می‌تواند نقش اساسی در شکل‌گیری هویت انسانی داشته باشد، چرا که دین، کامل‌ترین و جامع‌ترین پاسخ‌ها را برای دغدغه‌های فکری انسان، ارائه می‌دهد (جوادزاده، 1383: 2).

هویت دینی به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد تقریباً مهم‌ترین بعد هویت است که نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در هویت‌یابی افراد یک جامعه بازی می‌کند. می‌توان ادعا نمود تقویت این بعد از هویت موجب دوام و قوام سایر ابعاد هویت می‌شود و از سوی دیگر، چالش در این حوزه می‌تواند زمینه‌ساز بحران در سایر ابعاد هویت گردد (کلانتری و دیگران، 1388: 141). هویت دینی از مهم‌ترین عناصر ایجادکننده‌ی همگنی و همبستگی اجتماعی در سطح جوامع می‌باشد که سبب ایجاد تعلق خاطر به دین در بین افراد جامعه گشته و نقش بسیار مهمی در ایجاد و شکل‌گیری هویت جمعی ایفاء می‌نماید. هویت دینی یکی از اجزای اساسی هویت هر شخص به حساب می‌آید، زیرا هر فرد در تعریف خود، مذهب خود را نیز بیان می‌دارد و خود را با آن تعریف می‌کند (کلانتری و دیگران، 1388: 139). دین با پرداختن به پرسش‌های اصلی زندگی می‌تواند زمینه و راهکار مناسبی برای شکل‌گیری آن مجموعه از باورها ارائه دهد، به طوری که می‌تواند در هویت‌یابی فرد مؤثر باشد. نوجوانی که به خانواده، مذهب و ... احساس وفاداری نکند، هیچ‌گاه ارزش‌ها و معیارهای رفتاری مورد قبول آنها را درونی نمی‌سازد. فردی که به پاسخ سؤال‌های اساسی زندگی خود رسیده و هویت شکل‌یافته داشته باشد بهتر می‌تواند در موقعیت‌ها و ابعاد مختلف زندگی تصمیم‌گیری نماید.

امروز مسأله‌ی هویت از جنبه‌های گوناگون از سوی متفکران و نظریه‌پردازان بسیاری در پژوهش‌های علمی مورد توجه قرار گرفته است. دلایل و زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی به ویژه در سطح نوجوانان و جوانان اهمیت رسیدگی علمی به موضوع فوق را افزایش داده است.

در جامعه‌ی امروزی انسان از ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته و از آنجا که هویت نیز بخش مهمی از وجود انسان است و زندگی فردی و اجتماعی هر شخص تحت تأثیر هویت وی قرار دارد، بنابراین بررسی هویت افراد بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ و از طرفی دیگر می‌توان گفت شخصیت و تعادل روانی افراد جوان بیش از سایر قشرهای اجتماعی مورد نظر و با اهمیت است. عواملی چون رشد شهرنشینی، صنعتی شدن، وسایل ارتباط جمعی از قبیل اینترنت، ماهواره و ... زندگی مادی و چارچوب‌های نمادین آنها را دگرگون نموده و باورها، ارزش‌ها و رسوم اخلاقی و مذهبی افراد به ویژه قشر نوجوان و جوان را با تزلزل و دگرگونی مواجه ساخته است. در چنین شرایطی است که اعضای

جامعه و به ویژه قشر جوانان، نیاز به هویت‌یابی دارند تا احساس تعلق و همبستگی با نظام اجتماعی کل پیدا کنند. نوجوانان و جوانان از سویی به عنوان یک گروه خاص در جامعه بیش از سایر گروه‌ها گریبان‌گیر انتخاب و داشتن هویت هستند و از سوی دیگر در دوره‌ی پنجم زندگی قرار دارند که مهم‌ترین ویژگی این دوره بحران هویت است (اریکسون، 1956). یکی از بحران‌های این دوره تشکیل هویت و انسجام خود است، بررسی‌های اریکسون نشان می‌دهد که بسیاری از مشکلات دوران، ریشه در چگونگی پشت سر گذاشتن بحران هویت دارد و چنانچه فرد با آگاهی کامل این دوران را سپری نماید به سهولت هویت موفق را احراز خواهد کرد. از طرفی سلامت افراد پیش شرط توسعه‌ی آینده‌ی بشریت است. هویت محور سلامت نوجوانان و جوانان و تحت تأثیر مجموعه عواملی است که بر سلامت آنان اثرگذار است.

تأمین سلامت نوجوانان و جوانان در گرو تشکیل هویت مطلوب است (پرویزی و دیگران، 1384: 27). با توجه به این که مسأله‌ی هویت ملی و هویت دینی، یکی از اساسی‌ترین مسائل پیش روی جوانان است؛ این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که آیا رابطه‌ای بین سلامت روانی - اجتماعی و هویت دینی و ملی دانشجویان وجود دارد؟ دیگر این که سلامت روانی - اجتماعی تا چه میزان قدرت تبیین هویت دینی و ملی دانشجویان را دارد. لذا هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه‌ای بین سلامت روانی - اجتماعی با هویت دینی و ملی دانشجویان می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

اریکسون، هویت را احساس همانندی، تداوم، یکتایی و استقلال فردی می‌داند که از باور وی در زمینه‌ی هدف‌ها، ارزش‌ها و تصویر بدنی‌اش سرچشمه می‌گیرد (نقل از قسامی، 1383: 31). او معتقد است واژه‌ی هویت هم بر یکسان بودن خود و هم بر نزدیکی دائمی برخی از ویژگی‌های اساسی با دیگران دلالت دارد. به نظر او هویت به مثابه یک چارچوب مرجع عمل می‌کند که فرد به منظور تفسیر تجارب شخصی و گفتگو درباره‌ی معنا، هدف و جهت‌گیری زندگی خود، از آن استفاده می‌کند. او مراحل رشد روانی - جنسی را به کل فراخنای عمر تعمیم داده و ادعا می‌کند که انسان در طول عمر خویش از هشت مرحله‌ی متوالی گذر می‌کند.

هر یک از مراحل، تکلیف ویژه‌ای را به او نشان می‌دهد و این تکلیف، فائق آمدن بر بحران است. مقصود اریکسون از بحران، تصمیم هوشیارانه در مواجهه با تکالیف رشدی هر مرحله است که به منظور فراهم نمودن رشد مثبت باید به طور مناسبی حل شود (همان: 32). اریکسون معتقد بود که هر فرد، هر یک از این بحران‌ها را باید چنان موفقیت‌آمیز

طی کند که برای انجام تکلیف روانی - اجتماعی مرحله‌ی بعد آماده باشد. مرحله‌ی هویت‌یابی در مقابل سردرگمی نقش، به عنوان هسته‌ی اصلی نظریه‌ی اریکسون در مراحل هشتگانه‌ی رشد روانی - اجتماعی او مطرح شده است (نقل از فرتاش، 1384: 61-76).

کگان (1982)، شکل‌گیری هویت را بر اساس فرایندهای تحولی که شامل شناخت و عاطفه است تبیین کرد. وی در رویکرد ساختاری - تحولی خویش، هویت (معناسازی) را فرایند مستمری تعریف می‌کند که طی آن، مرزهای بین خود و دیگری (شخص - موضوع) شکل می‌گیرد از بین می‌رود و دوباره بازسازی می‌شود. فعالیت معناسازی (سازمان‌دهی و درک محیط اطراف) و سپس از بین رفتن این انسجام و درک خود در یک قالب جدید و نوظهور، از بنیان‌های این رویکرد هستند.

از نظر کگان، تحول - که تحت تأثیر شناخت و عاطفه است - عبارت از فرایندی است که منجر به ایجاد ساختارهایی منظم جهت متمایز کردن شخص از موضوع می‌شود. یعنی «دیگری» از دل خود جدا می‌شود و فرد به یک «خود» متفاوت و جدید نائل می‌شود. از نظر کگان هویت یا معناسازی یعنی شیوه‌ای که در آن، چیزی (موضوعی) را که قبلاً جزئی از «خود» بود به بیرون پرتاب کرده و از آن یک موضوع برای خود جدیدمان بسازیم، به طوری که تعادل بین خود و دیگری اساس فرایندی است که منجر به شکل‌گیری هویت می‌شود (کروگر، 2005: 54).

از نظر جنکینز هویت اجتماعی یک بازی است که در آن «رو در رو بازی می‌شود»، هویت اجتماعی درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از آن طرف، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست. از این‌رو هویت اجتماعی نیز همانند معنا ذاتی نیست و محصول توافق و عدم توافق است و می‌توان در باب آن نیز به چون و چرا پرداخت. آنچه یک گروه انسانی را هویت می‌بخشد شباهتی است که باعث تفاوت آنها از گروه‌های دیگر می‌شود. ابزارهای فرهنگی هویت‌ساز، باعث شکل‌گیری مقوله‌های هویتی در بین جوامع بشری می‌شوند. «اصولاً زندگی اجتماعی بدون وجود راهی برای دانستن این‌که دیگران کیستند و بدون نوعی درک از این‌که خود ما کیستیم غیر قابل تصور است» (جنکینز، 1381: 7-8)؛ بنابراین هویت هر فرد آن چیزی است که او را شبیه خودش و متفاوت با دیگران می‌کند، آن چیزی که فرد توسط آن خودش را می‌شناسد و تعریف می‌کند و آن چیزی که توسط آن خودش را پذیرفته شده و شناخته شده از طرف دیگران احساس می‌کند. لذا می‌توان گفت که هویت اجتماعی دستاوردی عملی، یعنی یک فرایند، است و فهم هویت‌های اجتماعی فردی و جمعی از طریق به کار گرفتن کنش متقابل دیالکتیکی درونی و برونی امکان‌پذیر می‌گردد (همان: 46).

از دیدگاه کنش متقابل نمادی هویت اجتماعی عبارت است از، دریافت ما از اینکه چه کسی هستیم و این که دیگران چه کسی هستند و این که مردم چه فهمی از خودشان و دیگران دارند (که شامل ما هم می‌شود)؛ بنابراین هویت اجتماعی حاصل توافقات و عدم توافقات است (جنکینز، 1386: 15). در واقع هویت در این دیدگاه عبارت است از مجموعه معانی و ادراکات فرد از خود و دیگران که می‌توان هویت را یک پدیده‌ی در حال ایجاد شدن که در هیچ زمان و مکانی ثابت نخواهد بود و هر روز شکل جدیدی به خود می‌گیرد و هر روز در حال به وجود آمدن است قلمداد نمود.

مید پرچم‌دار نظریه‌ی هویت اجتماعی است. از دیدگاه مید هر فرد هویت یا «خویشتن خود» را از طریق ساماندهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی و یا گروهی شکل می‌دهد. به بیانی دیگر، تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند، بازتاب نگرشی است که دیگران از او دارند. افراد بشر سعی دارند که خود را مطابق عرف و هنجارهای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، تعریف کنند. کنش متقابل از این حیث بر جایگاه فرد در جامعه تأکید دارد (ریتزر، 1374: 157).

فرآیندهای جامعه‌پذیری موجب می‌شود که خود تحت تأثیر زمینه، موقعیت اجتماعی خصلتی پویایی و بازتابی به خود بگیرد (تنهایی، 1377: 298). مید در تعریف خود می‌گوید، خود چیزی توسعه‌یابنده است، در ابتدای توسعه، خود وجود ندارد اما از فرایند تجربیات و فعالیت‌های اجتماعی به وجود می‌آید و کنشگر آن را در ارتباط با دیگران به عنوان جزئی از کل کسب می‌کند. خود، یک ساخت اجتماعی است و در فعالیت‌های اجتماعی ایجاد می‌شود، بعد از اینکه خود به وجود آمد، در یک احساس خاص برای خودش تجارب اجتماعی‌اش را فراهم می‌کند و بنابراین، فرد می‌تواند یک خود انتزاعی و یکپارچه را احساس کند ولی امکان اینکه «خود» خارج از تجارب اجتماعی ایجاد شود وجود ندارد (ریتزر، 1374: 157).

مروری بر مطالعات پیشین

اخیراً پژوهش‌های متعددی در مورد اثر دین بر سلامت روانی انجام شده است و نتایج حاصل از این تحقیقات نشان‌دهنده‌ی اثر مثبت دین بر سازگاری و بهداشت روانی و اثر کاهنده‌ی آن بر نشانه‌های بیماری بوده است.

کیز و ریتزس (2007)، در پژوهش خود تحت عنوان "نقش تقویت هویت مذهبی بر حرمت خود و نشانه‌های افسردگی در کارگران مسن و بازنشسته" نتایج نشان دریافتند،

هنگامی که هویت دینی افزایش می‌یابد، عزت نفس افزایش یافته و نشانه‌های افسردگی کاهش می‌یابد (نقل از رجایی و دیگران، 1388: 100).

شهبازی (1376)، در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی و سلامت‌روانی در بین دانشجویان شهر تهران" دریافتند بین جهت‌گیری مذهبی و افسردگی و ضعف روانی ارتباط معناداری وجود دارد. یعنی آزمودنی‌هایی که دارای جهت‌گیری بیرونی مذهبی بوده و از دین به عنوان دستاویزی برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند (گروه مذهبی ضعیف) تمایل و گرایش بیشتری به طرف نوروهای هیپوکندری، افسردگی و اضطراب از خود نشان دادند (نقل از غضنفری، 1385).

پاراگمنت (1997)، در پژوهشی با مرور صد و سی پژوهش در زمینه‌ی مقابله و سازگاری هویت ملی و دینی و نقش آن در سلامت روانی نتیجه گرفت که سی و چهار درصد از مطالعات به اثرات مثبت و معنی‌دار مقابله و سازگاری مذهبی در کاهش افسردگی و اضطراب اشاره دارد. چهار درصد از مطالعات مرور شده، حاکی از اثرات منفی مقابله و سازگاری مذهبی بر سلامت روانی بودند و شصت و دو درصد نیز هیچ‌گونه ارتباطی را بین متغیرهای مقابله‌ی ذهنی و سلامت روان نشان نداده‌اند (نقل از سیف و نیکوی، 1383: 74).

جوادزاده (1383)، در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی هویت دینی و تفکر انتقادی و رابطه‌ی این دو در بین دانشجویان 20 تا 22 ساله"، با روش کیفی انجام داد. نتایج تحلیل کیفی نشان داد کسانی که از مهارت تفکر انتقادی به خوبی استفاده می‌کنند از هویت دینی شکل‌یافته‌تری برخوردارند.

سفیری و غفوری (1388)، در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده" به مسأله‌ی هویت ملی و دینی جوانان با توجه به درصد بالای جمعیت جوانان و نقش سازنده‌ی آنان در سرنوشت آینده‌ی کشور، پرداختند. در پژوهش خود دریافتند، خانواده‌هایی که والدین پایبندی بالایی نسبت به مؤلفه‌های ملی و دینی دارند جوانان آنها نیز از هویت ملی و دینی قوی‌تری برخوردار هستند. عملکرد والدین در زمینه‌ی آموزش جوانان در دو بعد ملی و دینی با هویت ملی و دینی جوانان رابطه‌ی مستقیم و مثبت دارد. میان منطقه‌ی محل سکونت و هویت ملی و دینی جوانان رابطه‌ی منفی و معکوس وجود دارد. با افزایش سن، هویت دینی کاهش می‌یابد و بین تحصیلات و هویت دینی و ملی رابطه‌ی منفی و معکوس وجود دارد.

حبیب‌زاده (1382)، در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها" دریافتند که برای بالا بردن میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی جوانان باید هویت ملی - دینی جوانان تقویت شود و دریافتند

جوانانی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری برخوردار بودند میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی آنها ضعیف تر بود.

رجایی و دیگران (1388)، در پژوهش خود تحت عنوان "باورهای مذهبی اساسی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان" دریافتند افرادی که نمره‌های بالایی در باورهای مذهبی اساسی داشتند، در بحران هویت نمره‌های کمتر و در سلامت عمومی نمره‌های بیشتری کسب کردند. بین بحران هویت و سلامت عمومی نیز همبستگی منفی معنادار به دست آمد. تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داد که باورهای مذهبی اساسی، واریانس اندکی از بحران هویت ($R^2=0/094$) و سلامت عمومی ($R^2=0/023$) را در جوانان تبیین می‌نماید.

کلانتری و دیگران (1388)، در پژوهش خود تحت عنوان "هویت دینی و جوانان به دنبال بررسی میزان احساس تعلق به هویت دینی و عوامل مؤثر بر آن" دریافتند 88 درصد دانش‌آموزان دارای هویت دینی قوی هستند و تنها 4 درصد پاسخگویان در این حوزه دارای مشکل با بحران هستند.

لطف‌آبادی و نوروزی (1383)، در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان" به بررسی یک نمونه‌ی 4292 نفری از دانش‌آموزان پسر و دختر دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی در شش استان مرکز، شمال، جنوب، شرق و غرب کشور، پنج هدف اساسی را در مورد سه نوع نگرش منفعل، مخالف، و فعال به پدیده‌ی جهانی‌شدن در میان دانش‌آموزان نوجوان و تأثیر هر نگرش را بر هویت دینی و ملی آنان، با طرح پنج سؤال اصلی و شش سؤال فرعی، دنبال نموده‌اند تا برای شناخت راه و روش‌های واکنش مناسب (واکنش فعال و معقول) در مقابل پدیده‌ی جهانی‌شدن، زمینه‌سازی‌های لازم را فراهم آورند. در جمع‌بندی کلی باید اذعان نمود در پیشینه به برخی از تحقیقات صورت گرفته که موضوع آنها با موضوع مورد مطالعه مرتبط بوده است مورد بررسی قرار گرفت. در این شکی نیست که همیشه پژوهش‌ها و مطالعات گذشتگان ولو اندک یا ناقص، می‌توانند پایه‌ای برای مطالعات بعدی باشند. با بررسی یافته‌های حاصل از پژوهش‌های انجام شده می‌توان دریافت که هر یک از این پژوهش‌ها در عین داشتن نقاط قوت بر بعد خاصی از موضوع تأکید کرده‌اند در حالی که در این پژوهش به بررسی رابطه‌ی بین سلامت روانی - اجتماعی با هویت ملی و دینی پرداخته شده است.

فرضیات پژوهش

- 1- بین ویژگی‌های اجتماعی - جمعیت‌شناختی (جنس و پایگاه اقتصادی - اجتماعی) و هویت ملی و دینی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- 2- بین سلامت اجتماعی و هویت ملی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- 3- بین سلامت اجتماعی و هویت دینی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- 4- بین سلامت روانی و هویت ملی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- 5- بین سلامت روانی و هویت دینی دانشجویان رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در قالب یک طرح پیمایشی و به صورت مقطعی برای بررسی رابطه‌ی بین سلامت اجتماعی - روانی با هویت دینی و ملی در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه یزد انجام شد. جامعه‌ی آماری این تحقیق حدود 3511 نفر بوده‌اند که بر اساس جدول کرجسی و مورگان، حجم نمونه برای این مطالعه 346 نفر محاسبه شد. برای انتخاب نمونه از شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه بوده که اجزاء پرسشنامه بدین قرار است: برای سنجش سلامت عمومی، از پرسشنامه‌ی 28 سؤالی سلامت عمومی گلدبرگ (GHQ-28) استفاده شد. گویه‌های این پرسشنامه در قالب یک طیف چهار درجه‌ای (اصلاً، بیشتر از معمول، نسبتاً بیشتر از معمول، خیلی بیشتر از معمول) درجه‌بندی شدند. دامنه‌ی نمرات برابر صفر تا 84 می‌باشد. نمره‌ی بالاتر در این مقیاس نشانگر عدم سلامت عمومی بود.

ضریب بازآزمایی پرسشنامه سلامت عمومی در مطالعه‌ی یعقوبی (1374) برابر با 0/55 و ضریب بازآزمایی برای خرده مقیاس‌های آن بین 0/42 تا 0/47 بدست آمده بود. متوسط حساسیت پرسشنامه برابر با 0/84 و متوسط ویژگی آن برابر با 0/82 بود؛ همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر 0/88 و برای خرده مقیاس‌های آن بین 0/66 تا 0/85 محاسبه گردید.

شایان ذکر است که بر اساس نمره‌گذاری مقیاس سلامت عمومی نمره‌ی بالاتر در مقیاس سلامت عمومی نشانگر عدم سلامت عمومی است. در مطالعه‌ی حاضر برای محاسبه‌ی میزان پایایی و هماهنگی درونی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ نشان داد که ضریب پایایی مقیاس به طور کلی برابر با 0/83 و برای مؤلفه‌های اضطراب/ بی‌خوابی، علائم جسمانی، سوء عملکرد اجتماعی و افسردگی محاسبه گردید.

برای سنجش هویت دینی و ملی، از پرسشنامه‌ی لطف‌آبادی (1378)، استفاده شد. گویه‌های این پرسشنامه در قالب یک طیف شش درجه‌ای (کاملاً موافق، موافق، کمی موافق، کمی مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) درجه‌بندی شدند. دامنه‌ی نمرات برابر 22 تا 132 می‌باشد. برای سنجش اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار عاملی استفاده شد؛ روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با استفاده از روش چرخش واریماکس و مقدار ویژه بر روی 22 ماده مقیاس انجام شد. مقدار $KMO = 0/835$ یعنی تعداد نمونه‌ها برای تحلیل عامل‌ها به اندازه‌ی کافی بزرگ است و آزمون بارتلت برابر $(p < 0/001)$ ، $X^2_{(22)} = 2043/769$ است. بعد از انجام این تحلیل، پنج مؤلفه استخراج شدند این عوامل عبارتند از: ابعاد سیاسی و جغرافیایی، زبانی و ادبی، فرهنگی، تاریخی و قومی و هویت دینی. جهت بررسی پایایی، یک مطالعه‌ی مقدماتی روی 35 نمونه انجام گردید سپس پایایی هر یک از شاخص‌های مورد نظر با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه گردید که مقدار ضریب پایایی برای کل مقیاس برابر با 0/85 محاسبه شد که در دامنه‌ی خوبی قرار داشت.

برای سنجش سلامت اجتماعی از مقیاس چند بعدی حمایت اجتماعی ادراک شده (کانتی - میشل و زیمت، 2000) استفاده گردید. این مقیاس، مشتمل بر 12 ماده است که سه مؤلفه: حمایت ادراک شده از سوی خانواده (4 ماده)، حمایت ادراک شده از سوی دیگران مهم (4 ماده) و حمایت ادراک شده از سوی دوستان (4 ماده) را سنجش می‌کند. همه‌ی ماده‌های این مقیاس، بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق، موافق، نظری ندارم، مخالف و کاملاً مخالف) درجه‌بندی شده بودند.

دامنه‌ی نمرات این مقیاس، 12 الی 60 بوده است. سازندگان مقیاس، برای ارزیابی اعتبار ممیز خرده مقیاس‌های حمایت اجتماعی، از مقیاس مراقبت خانوادگی نوجوانان (AFCS) (کانتی - میشل، 2000) استفاده کردند.

با استفاده از روش چرخش واریماکس و مقدار ویژه سه مؤلفه استخراج شدند؛ این مؤلفه‌ها با استفاده از پیشینه‌ی نظری با عناوین حمایت از سوی خانواده، حمایت از سوی دیگران مهم و حمایت از سوی دوستان نام‌گذاری شدند. مقدار $KMO = 0/9010$ یعنی تعداد نمونه‌ها برای تحلیل عامل بسیار مطلوب است و آزمون بارتلت برابر $(p < 0/001)$ ، $X^2_{(66)} = 4235/915$ است. ضرایب هماهنگی درونی مقیاس، با استفاده از روش آلفای کرونباخ به طور کلی برابر با 0/79 محاسبه گردید.

در کل برای سنجش اعتبار پرسشنامه‌های سلامت روانی، حمایت اجتماعی و سنجش هویت دینی و ملی از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) استفاده شد و برای سنجش اعتبار پرسشنامه‌های محقق ساخته از روش اعتبار محتوی استفاده شد.

جهت سنجش پایایی درونی آیتم‌های وسایل اندازه‌گیری از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید.

در پرسشنامه‌ی مشخصات اجتماعی، جمعیت‌شناختی علاوه بر متغیر اصلی متغیرهای اجتماعی جمعیت‌شناختی را که به نظر می‌رسید در رفتار افراد تأثیر گذارند را مورد بررسی قرار دادیم، که عبارت‌اند از سن، جنس و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده.

برای تعیین پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان، از روش ترکیبی و شاخص‌های تحصیلات، شغل پدر و درآمد خانواده استفاده شد و به آنها وزن یک الی پنج داده شد. سپس میانگین وزنی هر عامل به ترتیب زیر مشخص گردید: شغل پدر 5/28، درآمد خانواده 4/36، تحصیلات پدر 4/1، در مرحله‌ی بعد از مجموع نمرات جزئی خانواده‌ی فرد، رتبه‌ی کل فرد بدست آمد و در نهایت با استفاد از روش محاسبه‌ی دامنه‌ی تغییرات، سه طبقه‌ی اقتصادی بالا، متوسط و پایین محاسبه گردید.

داده‌ها پس از استخراج با استفاده از نرم‌افزار *SPSS* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، جهت آزمون همبستگی بین متغیرهای تحقیق از روش همبستگی پیرسون استفاده شد و جهت آزمون تفاوت بین متغیرهای تحقیق از روش آزمون *t* و تحلیل واریانس استفاده شد. از روش رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه برای مشخص ساختن سهم هر کدام از متغیرهای پیش‌بین در تبیین واریانس متغیر ملاک، میزان هویت دینی و ملی دانشجویان استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها به دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های تبیینی تقسیم شده است؛ در قسمت یافته‌های توصیفی درصد پاسخگویان بر اساس متغیرهای مختلف برای مقایسه‌ی سطوح متغیرها ارائه شد و سپس آزمون فرضیات تحقیق انجام شد که با استفاده از آزمون‌های آماری مختلف نظیر آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه به تأیید یا رد فرضیات پرداخته شد.

یافته‌های پژوهش

بر حسب نتایج کسب شده میانگین سنی پاسخگویان 20/28 بوده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، 76/3 درصد از پاسخگویان دختر و 23/7 درصد پاسخگویان پسر بودند. همچنین نتایج کسب شده در مورد تحصیلات پدر پاسخگویان نشان داد که 2/9 درصد از آنها بیسواد، 33/2 درصد ابتدایی و راهنمایی و 32/1 درصد متوسطه و دیپلم، 29/8 درصد فوق دیپلم و کارشناسی، 2/0 درصد کارشناسی ارشد و بالاتر بوده‌اند.

نتایج کسب شده در مورد میانگین درآمد خانواده‌های آنها نشان داد که 10/4 درصد خانواده‌ها زیر 350 هزار تومان، 26/9 درصد بین 351 تا 500 هزار تومان، 25/1 درصد

بین 501 تا 750 هزار تومان، 24/3 درصد بین 751 تا یک میلیون تومان و 13/3 درصد از خانواده پاسخگویان دارای درآمدی بیش از یک میلیون تومان بوده‌اند.

برای آزمون فرضیه‌ی مقایسه‌ی دختران و پسران از نظر هویت ملی از آزمون T مستقل استفاده شد. نتایج با توجه به مقدار $(T_{(344)} = 0/846; P > 0/05)$ نشان می‌دهد که تفاوت میانگین دو گروه معنی‌دار نیست، برای آزمون فرضیه‌ی مقایسه‌ی دختران و پسران از نظر هویت دینی از آزمون T مستقل استفاده شد. نتایج با توجه به مقدار $(T_{(344)} = 0/223; P > 0/05)$ نشان می‌دهد که تفاوت میانگین دو گروه معنی‌دار نبوده است. به منظور بررسی رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان و میزان هویت ملی از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد مقدار F و سطح معنی‌داری بدین شرح بوده است $(F = 2/022, p > 0/05)$ ؛ بنابراین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان در میزان هویت ملی آنان تفاوت معنی‌داری ایجاد نکرده است. به منظور بررسی رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی مختلف دانشجویان و میزان هویت دینی از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد مقدار F و سطح معنی‌داری بدین شرح بوده است $(F = 3/705, p < 0/01)$ ؛ بنابراین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان با میزان هویت دینی آنان تفاوت معنی‌داری ایجاد کرده است.

برای آزمون همبستگی بین حمایت اجتماعی و هویت ملی دانشجویان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج با توجه به مقدار $(r = 0/165, p < 0/01)$ نشان داد که همبستگی مثبت معناداری بین حمایت اجتماعی و هویت ملی دانشجویان وجود دارد. یعنی هر چه حمایت اجتماعی بیشتر شود هویت ملی دانشجویان نیز افزایش پیدا می‌کند. نتایج آزمون همبستگی بین حمایت اجتماعی و هویت دینی دانشجویان با توجه به مقدار $(r = 0/051, p > 0/05)$ نشان داد که همبستگی بین حمایت اجتماعی و هویت دینی دانشجویان وجود ندارد.

نتایج آزمون همبستگی بین سلامت روانی و هویت ملی دانشجویان، با توجه به مقدار $(r = -0/027, p > 0/05)$ نشان داد که همبستگی بین سلامت روانی و هویت ملی دانشجویان وجود ندارد. نتایج آزمون همبستگی بین سلامت روانی و هویت دینی دانشجویان، با توجه به مقدار $(r = 0/066, p > 0/05)$ نشان داد که همبستگی بین سلامت روانی و هویت دینی دانشجویان وجود ندارد.

جدول 1: ماتریس همبستگی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین با هویت ملی و دینی

	4	3	2	1	<i>Sd</i>	<i>M</i>	α	
1				1/000	0/479	0/95	0/83	سلامت روانی
2			1/000	-0/167*	0/732	2/89	0/79	حمایت اجتماعی
3		1/000	0/165*	-0/027	0/506	3/52	0/85	هویت ملی
4	1/000	0/328***	0/051	0/066	0/908	2/23	0/76	هویت دینی

رگرسیون چندگانه سلسله مراتبی

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای دسته اول (اجتماعی - جمعیت‌شناختی) در مرحله اول وارد مدل شدند. جدول 2 در مرحله اول متغیر درآمد خانواده با مقدار ($B = -0/146, P < 0/01$) در مجموع ($F = 2/419, p < 0/05$; $Adj.R^2 = 0/016$) توانسته‌اند 1/6 درصد از واریانس متغیر هویت ملی و در مرحله دوم سلامت روانی با مقدار ($B = -0/002, P > 0/05$) و متغیر حمایت اجتماعی با مقدار ($B = 0/171, P < 0/01$) و توانستند با مقدار مجموع ($F = 5/273, p < 0/01$; $Adj.R^2 = 0/040$) 4/0 درصد از واریانس هویت ملی را تبیین نمایند.

در جدول 3 متغیرهای دسته اول (اجتماعی - جمعیت‌شناختی) در مرحله اول متغیر سن با مقدار ($B = -0/180, P < 0/01$) و متغیر درآمد خانواده با مقدار ($P < 0/01$)، سهم معناداری در تبیین واریانس هویت دینی داشته باشند در مجموع در مرحله اول با مقدار ($F = 6/284, p < 0/01$; $Adj.R^2 = 0/058$) 5/8 درصد از واریانس متغیر هویت دینی را تبیین نمایند. در مرحله دوم متغیر حمایت اجتماعی با مقدار ($B = 0/074, P > 0/05$) و سلامت روانی با مقدار ($B = 0/076, P > 0/05$)، با مقدار مجموع ($P > 0/05$; $Adj.R^2 = 0/061$) 6/1 درصد از واریانس هویت دینی را تبیین نمایند. در مجموع 17/5 درصد از واریانس توسط این معادله‌ها تبیین شدند.

جدول 2: رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه برای پیش‌بینی هویت ملی

مرحله	متغیر	Beta	P	R ² تغییر یافته	R ² تعدیل شده	F	P
اول	سن	-0/052	0/333	0/028	0/016	2/419	0/048*
	جنس	-0/010	0/859				
	درآمد خانواده	-0/146	0/007				
	رشته‌ی تحصیلی	0/050	0/345				
دوم	حمایت اجتماعی	0/171	0/002	0/057	0/040	5/273	0/006**
	سلامت روانی	-0/002	0/975				

جدول 3: رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه برای پیش‌بینی هویت دینی

مرحله	متغیر	Beta	P	R ² تغییر یافته	R ² تعدیل شده	F	P
اول	سن	-0/180	0/001	0/069	0/058	6/284	0/000***
	جنس	-0/030	0/576				
	درآمد خانواده	0/160	0/003				
	رشته‌ی تحصیلی	-0/044	0/407				
دوم	حمایت اجتماعی	0/074	0/190	0/077	0/061	1/620	0/199
	سلامت روانی	0/076	0/152				

بحث

این مطالعه، تأثیر متغیرهای سلامت روانی و اجتماعی را بر هویت دینی و ملی دانش‌آموزان مورد ارزیابی قرار داد. در این تحقیق رابطه‌ی بین هویت دینی و ملی مورد تأیید قرار گرفته است. به عبارت دیگر افزایش هویت ملی با افزایش هویت دینی همراه است. می‌توان نتیجه گرفت که هویت دینی و هویت ملی دانش‌آموزان در تضاد با یکدیگر نیستند بلکه کاملاً در یک جهت حرکت می‌کنند.

در این پژوهش رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان هویت دینی مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین سفیری و غفوری کله (1388)، به این نتیجه دست یافت که با بالا رفتن پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده هویت دینی و ملی جوانان ضعیف‌تر می‌شود؛ همچنین رابطه‌ی بین حمایت اجتماعی و هویت ملی در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است. یعنی هر چه سلامت اجتماعی ادراک شده بیشتر شود هویت ملی دانش‌آموزان نیز افزایش پیدا می‌کند. خانواده، دوستان و دیگران مهم بر هویت

دانش‌آموزان مؤثر هستند؛ نوجوانانی که از هویت بالاتری برخوردارند میزان سلامت اجتماعی بالاتری نیز دارند. سلامت اجتماعی ممکن است تأثیرات بیشتری بر دانش‌آموزانی که هویت پایین‌تری دارند داشته باشد.

بررسی رابطه‌ی بین سلامت روانی و هویت ملی دانش‌آموزان، نتایج به دست آمده نشان داد که بین سلامت روانی و هویت ملی یک رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد که نتایج به دست آمده با پژوهش لطف‌آبادی (1383)، یکسان نیست.

بررسی رابطه‌ی بین سلامت روانی و هویت دینی دانش‌آموزان نشان داد که بین سلامت روانی و هویت دینی همبستگی وجود ندارد؛ و این نتیجه برخلاف یافته‌های که اثر مثبت دین بر سازگاری و بهداشت روانی و اثر کاهنده‌ی آن بر نشانه‌های بیماری بوده است را نشان داد (سیف و نیکوی، 1383).

همچنین در این پژوهش نتایج رگرسیون سلسله مراتبی نشان از تأثیر سایر متغیرها، از جمله متغیرهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی و سایر متغیرهای آورده شده در معادله‌ی رگرسیون بر هویت ملی و دینی دانش‌آموزان بود. این امر با مراجعه به تحلیل چند متغیره‌ی این پژوهش آشکار می‌گردد.

نتایج این تحلیل نشان داده است که سهم متغیر هویت ملی و دینی در مقایسه با سایر متغیرهای وارد شده در معادله، به ویژه حمایت اجتماعی و سلامت روانی و نیز متغیرهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی (متغیرهای تحصیلات و جنسیت) در تبیین واریانس هویت دینی دانش‌آموزان بالاتر بوده است.

اگر بپذیریم که حمایت اجتماعی و سلامت روانی متغیری مهم و اثرگذار بر هویت ملی و دینی باشد، توجه به این متغیر و تقویت آن به نوبه‌ی خود می‌تواند در تحقیقات آتی نقش بسزایی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش بیش از همه جلب توجه نموده، میزان اثرگذاری متغیر حمایت اجتماعی و سلامت روانی می‌باشد. نقش این متغیرها بر هویت ملی و دینی دانشجویان، با توجه به قدرت تبیین آنها قوی‌تر از متغیرهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی بوده است. این امر با مراجعه به تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی به خوبی آشکار می‌گردد.

از یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که با تأکید بر شناخت عوامل مرتبط با هویت ملی و دینی می‌توان سبب ارتقاء مستمر آنان گردید. اما باید اشاره نمود هر چند عوامل مورد بررسی در جامعه‌ی مورد مطالعه توانسته‌اند بخشی از واریانس هویت ملی و دینی دانشجویان را تبیین نمایند. ولی باید اذعان نمود که همچنان درصد بالایی از

واریانس هویت ملی و دینی در جامعه‌ی مورد مطالعه، تبیین نشده باقی مانده که باید در پژوهش‌های بعدی روی سایر پیش‌بین‌ها اعم از فردی و اجتماعی توجه بیشتری معطوف نمود؛ لذا پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه هویت ملی و دینی، موضوعی چند وجهی و همراه با متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، روانشناختی و زیست‌شناختی است، در پژوهش‌های بعدی امکان شناخت همه‌ی متغیرهای مرتبط با این موضوع فراهم آید.

همچنین لازم است مسئولین جامعه، با بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، سعی در ارتقاء هویت ملی و دینی افراد نمایند تا امکان تثبیت هویت‌یابی سالم در سنین بالا فراهم آید تحقق این امر تنها با مهندسی در عوامل دخیل در هویت‌یابی ملی و دینی در سنین پایین‌تر امکان‌پذیر می‌باشد.

فهرست منابع:

- ابراهیمی، قربانعلی و بهنوئی گدنه، عباس (1387). "بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و هویت‌های اجتماعی فردی و جمعی در بین جوانان (مطالعه موردی: شهر بابلسر)"، مجله‌ی تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، پیش شماره‌ی سوم.
- پرویزی، سرور؛ احمدی، فضل‌الله و نیکبخت نصرآبادی، علیرضا (1384). "از هویت تا سلامت: تبیین تئوریک مفهوم سلامتی از دیدگاه نوجوانان"، فصلنامه‌ی طب و تزکیه، سال چهاردهم.
- تنهایی، ابوالحسن (1371). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، گناباد، انتشارات مردیز.
- جنکنیز، ریچارد (1381). هویت اجتماعی، ترجمه‌ی تورج یاراحمدی، تهران، انتشارات شیرازه.
- جوادزاده شهشهانی، افسانه (1383). بررسی هویت دینی و تفکر انتقادی و رابطه‌ی این دو در بین دانشجویان 20 تا 22 ساله، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- حبیب‌زاده مرودشتی، فهیمه (1382). بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- رجایی، علیرضا؛ بیاضی، محمدحسین و حبیبی‌پور، حمید (1388). "باورهای مذهبی اساسی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان"، فصلنامه‌ی روانشناسی تحولی، روانشناسان ایرانی، سال ششم 22.
- ریتزر، جورج (1374). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- سفیری، خدیجه و غفوری، معصومه (1388). "بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده"، مجله‌ی پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، (2).
- سیف، سوسن نیکوی، مریم (1383). "بررسی رابطه‌ی دینداری با رضایتمندی زناشویی"، فصلنامه‌ی تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، شماره‌ی 13.
- عبداللهی، محمد (1374). "بحران هویت جمعی و دینامیسم و مکانیزم تحول آن در ایران و تأثیر آن بر دینامیسم مبادله‌ی فرهنگی ایران و جهان"، نامه‌ی پژوهش، شماره‌ی 2 و 3.
- غضنفری، احمد (1384). "اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه‌ی سبک هویت (ISI-6G)"، فصلنامه‌ی مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، 94. شماره، صص، 81-96.
- غضنفری، احمد؛ آزاد، حسین؛ برجعلی، احمد و دلاور، علی (1385). بررسی تأثیر هویت و راهبردهای مقابله‌ای بر سلامت روانی دانشجویان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهر اصفهان، پایان‌نامه‌ی دکتری تخصصی روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

غفوری کله، سیده معصومه (1384). بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر خانواده، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.

فارسی‌نژاد، معصومه (1383). بررسی رابطه‌ی سبک‌های هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان دختر و پسر پایه‌ی دوم دبیرستان‌های شهر تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

فرتاش، سهیلا و حجازی، الهه (1385). "تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی"، مجله‌ی زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) پیاپی 15.

قسامی، محبوبه (1383). بررسی رابطه‌ی نحوه‌ی عملکرد خانواده با سبک‌های هویت دختران دانشجوی دانشگاه الزهراء (س)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).

کلانتری، عبدالحسین؛ عزیزی، جلیل و زاهد زاهدانی، سعید (1388). "هویت دینی و جوانان؛ (نمونه‌ی آماری: جوانان شهر شیراز)"، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی 6.

گل محمدی، احمد (1380). جهانی‌شدن، فرهنگ و هویت، چاپ اول، تهران، نشر نی.

لطف‌آبادی، حسین و نوروزی، وحیده (1383). "بررسی چگونگی نگرش دانشجویان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان"، فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، شماره‌ی 9، سال سوم.

Erikson, E. H, (1956). "The Problem of ego identity", Journal of American Psychoanalytic Association. 4, 1 pp56-121.

Erikson, E. (1963). *Childhood and society*, (2nd ed.), Newyork Norton.

Harwood, J. (1999), "Age identification social identity gratification and television viewing", journal of broadcasting and electronic media, vol 43.

Kroger, J. (2005). *Identity Development: Adolescence through Adulthood*, Sage Publication.

Paragament K.I. (1997). *The psychology of religion and coping*. New York: Guilford Press.

Stets, J. and Burke, P. (2000). "Identity theory and social identity theory", Journal of social psychology quarterly. Vol. 63. No3.